

بندر، منظر میراثی سرزمین

ساحل شهر، بندر نامیده می‌شود. در زبان فارسی دو روایت برای این نامگذاری گفته شده: بندر که بار و بنه در آن می‌نهند (دهخدا)، و ترکیبی از بند (محصور) و در (درب) به معنای بند حوضچه‌مانند که دروازه داشته است. واژه بندر در زبان عربی وارد شده و جمع آن بنادر است. در زبان هندی و اندونزیایی به صورت بندرگاه وجود دارد. بنادر مختلفی در سراسر جهان است که نام آنها مرکب از واژه بندر است. زندگی ساحلی به اتکای دریا برپاست. برای ساحل‌نشینان، دریا منشاء حیات و خزانه معناست. منظر دریا برای آنها که در کنار دریا خانه می‌کنند، فلسفه وجود شهر و بقای آن است. ربط زندگی با دریا، رمز این منظر است. نقطه تبلور ارتباط این دو، مرز همسایگی شهر با دریاست؛ دامنه رابطه‌شان اما، همه شئون زندگی آنهاست: فرهنگ، معماری، غذا، شغل، آئین، اقتصاد و جامعه. آنجا که معیشت وابسته به دریا شود، دور نیست که دریا منبع الهامات دیگر زندگی هم باشد. نمادها و نمادهای تعامل انسان با دریا در لبه تماس آن دو، که بندر است، ظاهر می‌شود. منظر بندر راوی این ارتباط است. شهرها و روستاهای بندری در دوران شکل‌گیری خود مظاهری از ارتباط‌های پیچیده و چندجانبه را در لبه تماس خود با دریا ایجاد کردند که عوام، همان‌ها را بندر می‌خوانند. در مقابل با توسعه شهرنشینی و گسترش تجارت وابسته به دریا و خدمات پشتیبان آن، یک بخش از کلیت بندر، که تأسیسات انبار و انتقال کالا بود، معادل تمامیت بندر و مالک این مفهوم تاریخی و فرهنگی تمدن انسانی شد. رشد بوروکراسی و قدرت گرفتن حکومت مرکزی به تشکیل سازمان بندر و کشتیرانی انجامید که بی‌اعتنا به حقوق عامه و میراث تمدنی شهر بندرها، با اتکا به منافع سازمانی و بهره‌گیری از قدرت، لبه تماس شهر با دریا را در تصرف خود درآورد و شهروندان را از منبع الهام و فلسفه وجودی شهر خود محروم کرد. در حالی که بندر، مظهر تعامل‌های قدیمی و آینده با دریاست و نمی‌تواند فقط به یکی از نقش‌های خود بپردازد، سازمان بندر ایران با وضع قوانینی که جامع مصلحت و منفعت عامه نبود و بر اساس منافع بخشی نگاشته شده بود، حصار ستر دور خود کشید تا الزام قانون را برآورده کند؛ در حالی که این حصار سطح تماس شهر و دریا را نابود می‌کرد. مردم برای لمس دریا باید از شهر خارج شوند. دامنه دست‌اندازی به مرز دریا و ساحل تدریجاً فراتر رفت. حریم دریا هم در امان نماند. دریاخواری تحت عنوان تولید زمین و خشک کردن دریا به‌عنوان یک شیوه خلاق رایج گردید. مدیران تلاش کردند با جذب بودجه بیشتر هجوم بزرگتری به دریا کرده و با خشک کردن آن عرصه‌های جدیدی برای فعالیت به‌دست آورند. این رویه را شهرداری شهرهای بندری نیز با ساحل‌خواری تقلید می‌کنند. در منتهی‌الیه ساحل دیوار مرتفعی احداث می‌کنند و با پرکردن پشت آن سکویی مشرف به دریا می‌سازند و آن را زمین افزوده به شهر تلقی می‌کنند. با این کار مردم را از حس دریا درحالی‌که روی ماسه‌های ساحل قدم می‌زنند و موج آب پاهایشان را نوازش می‌کند، محروم می‌کنند. مردم را «از» دریا به «بر» دریا می‌کشاند. گویی از خسارتی که به منظر سرزمین و منبع الهام شهروندان وارد می‌کنند بی‌خبرند.

حفاظت از تمدن دریایی وابسته به تعامل دیرپای انسان و دریاست. نمی‌توان نادانسته و با روش‌های مهندسی تصرف‌های گسترده در محیط داشت. در تصویر جلد که بندر چابهار را نشان می‌دهد، اصالت فعالیت بندر و خیابان دسترسی آن در لبه ساحلی و سطوح وسیعی که به بارانداز بندر اختصاص یافته آشکار است. همه اینها دخالت در لبه تاریخی و طبیعی تماس شهر و دریاست و حجابی بر تداوم ادراک شهروندان از سرزمین خود. آورده‌های کالایی دست‌اندازی به این گوهر گرانبها در قبال از دست دادن فرصت‌های تمدن‌سازی و تداوم هویت آن قدر ناچیز است که در اقتصاد کلان جامعه به هیچ می‌آید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سیدامیر منصوری
amansoor@ut.ac.ir

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

منصوری، سیدامیر. (۱۴۰۱). بندر، منظر میراثی سرزمین. منظر، ۱۴(۶۱)، ۳.

DOI: 10.22034/MANZAR.2022.163287
URL: http://www.manzar-sj.com/article_163287.html

